

مقایسه ی هوش هیجانی و سازگاری دانش آموزانی که تجربه ی مهد کودک دارند با آنهایی که ندارند

Comparison of emotional intelligence and adaptability, in students who have kindergarten experienced and those who have not experienced

Akbar Seidlo *

Master of General Psychology, Islamic Azad
 University of Malard
saeed.seidloo@yahoo.com

Dr. Atna Isfahani Khaleghi

Assistant Professor of Psychology, Islamic Azad
 University of Malard

Dr Nasrollah Ansari Nejad

Assistant Professor of Psychology, Islamic Azad
 University of Malard

اکبر صیدلو نویسنده مسئول

کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملارد

دکتر آتنا اصفهانی خالقی

استادیار روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملارد

دکتر نصراله انصاری نژاد

استادیار روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملارد

چکیده

Abstract

The purpose of current study is to compare the emotional intelligence and adaptation of pre-school students who have experienced kindergarten with those who have not experienced it. The study population includes all junior high school students of Robat Karim, Tehran. The present study sample was stratified random sampling method and was randomized equally disproportionate between students with kindergarten experience and 72 students who have not enrolled in kindergarten. Regarding its purpose, the current study is causal - comparative. Instrument: Emotional Intelligence Questionnaire of Shutte et al. shot and Compatibility Questionnaire of Sina and Sing were utilized both of which were confirmed from the reliability and validity point of view. To analyze the data, descriptive statistics including average and SD as well as Inferential statistics including MANOVA and Pearson s Correlation Coordinate were used. Statistical analysis was conducted in SPSS v.21. Research EI and adaptability of students who have child care experience, the ones that do not have child care experience, the better. Findings: E.I, adaptability and all the parameters of emotional intelligence and adaptability of students who have enrolled in kindergarten programs is higher than those who have not experienced it. Suggestion: It is recommended that research to be conducted with other variables in line with the current study. Parents who want their children to enjoy the kindergarten experience advantages should take into account the factors such as the child's physical and mental condition, age of the child to enter kindergarten, duration of stay in kindergartens and nursery facilities, conditions that they expect their children to have, and plan for it.

Keywords: Emotional intelligence, adaptability, kindergarten experience

هدف از پژوهش حاضر، مقایسه ی هوش هیجانی و سازگاری در دانش آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند، می باشد. جامعه ی آماری این پژوهش عبارت است از کلیه ی دانش آموزان دبیرستان های دوره ی اول متوسطه شهرستان رباط کریم. نمونه آماری پژوهش حاضر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای نامتناسب و به صورت مساوی و به تصادف ۷۲ نفر دارای تجربه ی مهدکودک و ۷۲ نفر که چنین تجربه ای را نداشته اند، انتخاب شدند. این پژوهش با توجه به هدف، از نوع علی - مقایسه ای است. ابزار اندازه گیری عبارت است از پرسشنامه ی هوش هیجانی شوت و همکاران و پرسشنامه ی سازگاری سیناوسینگ که پایایی و روایی هر دو تأیید شده اند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و روش های آمار استنباطی شامل تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) و آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. محاسبات آماری با استفاده از نرم افزار SPSS 21 صورت گرفت. پژوهش نشان داد دانش آموزانی که تجربه ی مهد کودک دارند نسبت به آنهایی که تجربه ی مهدکودک ندارند از هوش هیجانی و سازگاری بهتری برخوردارند

کلیدواژه: هوش هیجانی، سازگاری، تجربه ی مهد کودک.

مقدمه

هیجان، حالت عاطفی هشیاری یا خودآگاهی است که در آن مفاهیمی همچون شادی، غم و ترس، نفرت یا عشق، نهفته است. هیجان از حالت‌های شناختی و ارادی متمایز است. به عبارتی، هیجان مربوط به احساسات به ویژه جنبه‌های خوشایند و ناخوشایند فرآیند‌های ذهنی است (شریفی، ۱۳۸۶). و هوش به عنوان یکی از وجوه قابل توجه در سازش یافتگی افراد با محیط و از عوامل مهم تفاوت‌های فردی به شمار می‌رود. هوش بر اساس تعریف سنتی خود مدت‌ها به عنوان اصلی‌ترین عامل موفقیت و پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته می‌شد، اما امروزه با تغییر دیدگاه‌های نظری در خصوص عوامل تشکیل‌دهنده‌ی هوش، نمی‌توان آن را پیش‌بینی‌کننده‌ی موفقیت برای پیشرفت تحصیلی محسوب نمود.

هوش هیجانی محصول دو مهارت اصلی قابلیت فردی و قابلیت اجتماعی است. خود آگاهی و خودمدیریتی به فرد برمی‌گردد و آگاهی اجتماعی و مدیریت روابط، به رابطه‌ی فرد با دیگران (کریمی، فاطمه؛ حسومی، فهیمه و لیث صفار، زهرا، ۱۳۹۱، به نقل از عظیمی، حسین و نوری، مژگان، ۱۳۹۴).

هوش هیجانی، جدی‌ترین تحول در زمینه‌ی فهم تعامل میان تعقل و هیجان است و از آن به عنوان ماشه چکان یک انقلاب بزرگ، در زمینه‌ی ارتقای بهداشت روانی یاد می‌شود. در واقع مفهوم هوش هیجانی، یک حیطه‌ی چند عاملی از مجموعه‌ی مهارت‌ها و صلاحیت‌های اجتماعی است که بر توانایی‌های فرد، برای تشخیص، درک، مدیریت هیجان، حل مسأله و سازگاری تأثیر می‌گذارد و به طرز مؤثری فرد را با نیازها، فشارها و چالش‌های زندگی، سازگار می‌کند (بار-ان^۱، ۲۰۰۶).

بار-ان^۱ (۱۹۹۷) مدلی چندعاملی برای هوش هیجانی تدوین کرده است. از نظر وی «هوش هیجانی شامل مجموعه‌ای از توانایی‌ها، کفایت‌ها و مهارت‌های غیرشناختی است که توانایی فرد را برای کسب موفقیت در مقابله با احتیاجات و فشارهای محیطی تحت تأثیر قرار می‌دهد». صفات هیجانی در این نوع هوش، رکن اساسی است که آن را از هوش شناختی، متمایز می‌کند. هوش هیجانی فرد، یک عامل مهم در تعیین توانایی موفقیت در زندگی است و به طور مستقیم سلامت روانی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هوش هیجانی همچنین با سایر تعیین‌کننده‌های مهم در توانایی فرد، برای موفقیت در مقابله با اقتضائات محیطی، مانند شرایط و پیش‌آمادگی‌های زیستی-طبیعی، استعداد عقلی-شناختی و واقعیت‌ها و محدودیت‌های در حال تغییر محیط، نیز ترکیب می‌گردد (بار-ان، ۱۹۹۷).

میزان سالهای پیش دبستانی نیز یکی از متغیرهای مهم در سازگاری اجتماعی کودکان است، ممکن است کودک هرچه بیشتر آموزش‌های پیش دبستانی را تجربه کند در رشد مهارت‌های برقراری ارتباط و سازگاری وی تأثیر بیشتری بگذارد (مشهدی، ریحانه و سرگزی، صفیه، ۱۳۹۴).

به اعتقاد سیاروچی^۲ و همکاران اگر فرد از لحاظ هیجانی توانمند باشد، بهتر می‌تواند با چالش‌های زندگی مواجه شود و در نتیجه از سلامت روانی بهتری برخوردار باشد (سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۰).

رحیم‌نیا و رسولیان (۱۳۸۵) سازگاری را مفهومی می‌دانند که همه‌ی راهبردهای اداره کردن موقعیت‌های استرس‌زای زندگی، اعم از تهدیدات واقعی و غیر واقعی را شامل می‌شود. هرگاه تعادل جسمی و روانی فرد، به گونه‌ای دچار اختلال شود که حالت ناخوشایندی به وی دست دهد، برای ایجاد توازن، نیازمند به کارگیری نیروهای درونی و حمایت خارجی است، در این صورت اگر در به کارگیری ساز و کارهای جدید، موفق شود و مسأله را به نفع خود حل نماید، فرآیند سازگاری ایجاد شده است.

گلمن آموزش مهارت‌های هیجانی به کودکان را مسأله‌ای بسیار مهم می‌داند و معتقد است که برنامه‌های آموزش مهارت‌های هیجانی بایستی در مدارس به کار برده شوند. این برنامه‌های نه تنها به آگاهی دانش‌آموزان از حالات هیجانی‌شان کمک می‌کند و عزت نفس آنها را تقویت می‌کند، بلکه موجب می‌شود که آنان در آزمون‌های شناختی نیز نمرات بهتری را کسب کنند. وی بر این باور است که مدارس باید چگونگی اداره و کنترل هیجان‌ها را به کودکان بیاموزند و معلمان باید با تعامل محترمانه با کودکان و مراقبت از آنان از الگوی مناسبی برای تقویت این نوع رفتار باشند (گلمن، ۱۹۹۵، ترجمه‌ی پارسا، ۱۳۸۲).

کودکانی که به مهد کودک می‌روند به دلیل تعدد بازی‌ها و همبازی‌های بیشتر، نسبت به سایر کودکان فعال‌تر و پرتحرک‌ترند و در مقابل، برخی کودکان که به مهد نمی‌روند بیشتر بازی‌های نشسته انجام داده و از همه بدتر، بسیاری از وقت خود خود را به تماشای تلویزیون می‌گذرانند که می‌تواند بر سلامت جسمی و روانی آنها تأثیرات بلندمدت بگذارد. مهد کودک‌ها علاوه بر این که می‌توانند به

1. Bar-on

2. Ciarrochi

ارتقاء مهارت های اجتماعی و تقویت هوش کودکان کمک کنند و نهایتاً، محیطی را برای کودک فراهم می کنند تا کودک در آن خود را بشناسد و همواره در حال یادگیری باشد (رحیم لو، بهرام و اسکندانی، امید حسین، ۱۳۹۴)

باید سعی کرد که کودک دقیقاً در زمان مناسب یعنی در زمانی که برخورد های محیطی بیشترین تأثیر را در شکوفائی استعداد های ذاتی کودک می گذارد، آموزش داد زیرا آموزش زودتر یا دیرتر از این دوران حساس، چه بسا ممکن است مشکلات و مسائلی به وجود آورد. پرورش توانائی های گوش دادن، سخن گفتن، خواندن، نوشتن، مشاهده کردن، شمردن، اندازه گرفتن و... برای پایه گذاری رشد و تکامل استعداد های ذاتی کودکان با استفاده از ارزش های حسی و عملی در این سطح از ضرورت های اساسی می باشند (عظمی گودرزی، رضوان و صرمی، حمیدرضا، ۱۳۹۴).

گنجعلی (۱۳۷۸)، برتری آزمودنی هایی که برنامه های پیش دبستانی را گذرانده اند بر سایر آزمودنی ها که بطور همخوان در همه مقایسه های انجام شده نشان دهنده ی اثرات مطلوب آموزش پیش دبستانی بر پیشرفت تحصیلی و نمرات هوش کودکان حتی تا پایان سالهای دبستان است.

چنانچه ملاحظه می شود، آموزش نقش مهم و اساسی در ارتقای هوش هیجانی و سازگاری دارد. از طرفی برخی محققان مانند اشتری (۱۳۸۳) بر تأثیر مثبت آموزش های پیش دبستانی اشاره می کنند و برخی مانند لیون (۱۹۹۱) معتقد است که نباید کودکان را بی محابا به سمت آموزش های پیش دبستانی بکشانیم. وجود این تناقضات و اینکه آموزش های غیر رسمی از جمله مهد کودک ها، چه تأثیری بر هوش هیجانی و سازگاری دارد؟ محقق را بر آن داشت تا با مقایسه ی هوش هیجانی و سازگاری کودکانی که مهد کودک را تجربه کرده اند با آنهایی که مهد کودک را تجربه نکرده اند، تأثیر آموزش های مهد کودک را بر هوش هیجانی و سازگاری، بررسی نماید. چرا که نتایج آن می تواند برای دست اندکاران نظام آموزشی و والدین، حائز اهمیت باشد.

روش

پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه ای است. هدف از این طرح، یافتن علت های احتمالی یک الگوی رفتاری است. این روش را غالباً پس رویدادی می نامند، زیرا اشاره به مواردی دارد که در آنها علت از پیش رخ داده است و مطالعه ی آن در حال حاضر از طریق اثری که بر متغیر دیگر گذاشته صورت می گیرد. در علوم رفتاری به این دلیل از این طرح استفاده می شود که محقق بسیاری از روابطی را که علاقمند به مطالعه و بررسی آنها می باشد، نمی تواند کنترل و دستکاری نماید. در تحقیق حاضر، محقق به مقایسه ی هوش هیجانی و سازگاری در بین دانش آموزانی که مهد کودک را تجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند، پرداخته است.

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری: جامعه ی آماری این پژوهش را کلیه ی دانش آموزان دوره ی اول مقطع متوسطه (پایه نهم) دبیرستان های شهرستان رباط کریم در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ تشکیل داده اند.

برای انتخاب نمونه ی این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای نا متناسب استفاده شد. در این روش جامعه به خرده گروه های کاملاً متجانس یا همگن به نام طبقه تقسیم می شود و نمونه های مستقل از هر طبقه به صورت تصادفی انتخاب میشوند. از این روش زمانی استفاده می شود که محقق علاقمند است اطمینان حاصل کند که هر یک از طبقه های موجود در جامعه در نمونه ی او حضور دارد. در این پژوهش، محقق به صورت مساوی و به تصادف از بین دانش آموزان دارای تجربه مهد کودک ۷۲ نفر و از بین دانش آموزانی که تجربه مهد کودک ندارند نیز ۷۲ نفر انتخاب نمود.

ابزار

در این پژوهش برای گردآوری داده ها از پرسشنامه ی هوش هیجانی شوت و پرسشنامه ی سازگاری سینا و سینگ استفاده شده است. **پرسشنامه هوش هیجانی شوت و همکاران:** پرسشنامه هوش هیجانی شوت و همکاران، یک پرسشنامه خودسنجی ۴۱ سوالی است که برای سنجش هوش هیجانی خصیصه ای ساخته شده است (آستین و همکاران، ۲۰۰۴). آزمودنی ها به سوالات این مقیاس بر مبنای رتبه بندی پنج لیکرت (۱- کاملاً موافقم تا ۵- کاملاً مخالفم) پاسخ می دهند. این پرسشنامه در واقع نسخه تجدید نظر شده ی مقیاس هوش هیجانی شوت و همکاران (۱۹۹۸) است. این پرسشنامه دارای ۴ خرده آزمون ارزیابی هیجانان در خود و دیگران، تنظیم هیجانان، بهره جویی از هیجانان در حل مسایل و ادراک و فهم هیجانان است.

مقایسه ی هوش هیجانی و سازگاری دانش آموزانی که تجربه ی مهد کودک دارند با آنهایی که ندارند
Comparison of emotional intelligence and adaptability, in students who have kindergarten experienced and

پایایی و روایی: ضریب پایایی (همسانی درونی) کل آزمون ۰/۸۵ گزارش شده است و سه عامل خوش بینی/ تنظیم خلق، بهره جویی از هیجانات و ارزیابی هیجانات برای آن شناسایی شده است. ضرایب پایایی از راه همسانی درونی برای این عامل‌ها به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۸۹ و ۰/۷۶ می‌باشد. روایی آزمون از طریق همبستگی آن با آزمون بهره هوشی بار-آن برآورد و میزان آن ۰/۶۷ گزارش شده است. بخشی پور و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی مشخصات روانسنجی مقیاس هوش هیجانی تجدید نظر شده شوت (MSEIS) پرداختند. نتایج تحقیق نشان‌دهنده ویژگی‌های نسبتاً مناسب روانسنجی این پرسشنامه بود (به نقل از بخشی پور و همکاران، ۱۳۸۷).

پرسشنامه ی سازگاری سینها و سینگ: این پرسشنامه توسط سینها و سینگ در سال ۱۹۹۳ ساخته شده است. این پرسشنامه در صدد است تا دانش آموزان دبیرستانی (گروه سنی ۱۴ تا ۱۸ ساله) با سازگاری خوب را از دانش آموزانی با سازگاری ضعیف در سه حوزه عاطفی، اجتماعی و آموزشی جدا سازد. فرم نهایی این پرسشنامه ۶۰ سوال می باشد (برای هر حوزه ۲۰ سوال). حوزه های مورد بررسی عبارتند از:

- ۱- سازگاری عاطفی: نمره ی بالا نشان دهنده بی ثباتی عاطفی و نمره ی پایین، نشانگر ثبات عاطفی است.
- ۲- سازگاری اجتماعی: نمره ی بالا بیانگر سلطه پذیری و عقب ماندگی و نمره ی پایین نشان دهنده ی پرخاشگری است.
- ۳- سازگاری آموزشی: نمرات بالا نشان دهنده ی وضعیت درسی و تحصیلی ضعیف و نمرات پایین نشان دهنده ی علاقه مندی به تحصیل و مدرسه است. پرسشنامه به صورت دستی قابل نمره گذاری است. برای پاسخ هایی که نشانگر سازگاری است، نمره صفر داده می شود و در غیر این صورت، ۱ منظور می شود.

پایایی و روایی پرسشنامه سینها و سینگ (۱۹۹۳، ترجمه ی ابوالفضل کریمی، ۱۳۷۷) فرم نهایی این پرسشنامه را بر روی نمونه- ۱۹۵۰ نفری (۱۲۰۰ پسر و ۷۵۰ دختر) از دانش آموزان دبیرستانی که از چهل دبیرستان به تصادف انتخاب شده بودند، اجرا نموده و به کمک داده‌های گردآوری شده، پرسشنامه را برای جمعیت هدف هنجاریابی نمودند. ضریب پایایی به سه طریق و به شرح جدول زیر تعیین شد. در جدول زیر ضرایب پایایی پرسشنامه با استفاده از سه روش دو نیمه کردن، آزمون- بازآزمون و کودر- ریچاردسون نشان داده است.

روش مورد استفاده	عاطفی	اجتماعی	آموزشی	کل
دو نیمه کردن	۰/۹۴	۰/۹۳	۰/۹۶	۰/۹۵
آزمون - بازآزمون	۰/۹۶	۰/۹۰	۰/۹۳	۰/۹۳
کودر ریچاردسون ۲۰	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۶	۰/۹۴

برای بررسی روایی این آزمون، همبستگی های درونی بین سه حوزه محاسبه شد و ماتریس همبستگی بدست آمد که همه آنها معنادار بودند (سینها و سینگ، ۱۹۹۳).

ماتریس همبستگی سه حوزه سازگاری

حوزه ها	۱	۲	۳
۱	-	۰/۲۰	۰/۱۹
۲	۰/۲۰	-	۰/۲۴
۳	۰/۱۹	۰/۲۴	-

رجبی، چهاردولی و عطاری (۱۳۸۷)، برای بررسی روایی سازه مقیاس فوق، از روش تحلیل عاملی (تحلیل مؤلفه‌های اصلی) استفاده شد که پنج عامل ناسازگاری عاطفی، اجتماعی، آموزشی و فردی شناسایی شدند و یک عامل هم به علت تعداد کم ماده‌ها (سه ماده) فاقد نامگذاری بود. پنج عامل در مجموع ۲۴/۹۱٪ از واریانس مقیاس را تبیین کردند. پورشهریار و همکاران (۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود، ضریب روایی درونی (همگونی) سازگاری کل را برای هفتاد آزمودنی که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، ۰/۹۱ اعلام نمودند. روایی محتوایی

و صوری این پرسشنامه، توسط سه نفر از اساتید مشاوره، روانسنجی و آمار تأیید شده است. اساتید فوق الذکر تأیید کرده‌اند که این پرسشنامه برای سنجش سازگاری در سه حوزه‌ی عاطفی، اجتماعی و آموزشی برای دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی قابل تأیید است (صفوی، موسوی لطفی و لطفی، ۱۳۸۸).

شیوه ی تحلیل اطلاعات:

پس از جمع آوری داده ها و به منظور تجزیه و تحلیل آنها، از روش های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار و روش های آمار استنباطی شامل تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) و آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید

یافته ها

یافته های توصیفی این پژوهش شامل شاخص های آماری مانند تعداد، میانگین، انحراف معیار متغیرهای هوش هیجانی و مولفه های آن شامل: ارزیابی هیجانات در خود و دیگران، تنظیم هیجانات، بهره‌جویی از هیجانات در حل مسایل و ادراک و فهم هیجانات و سازگاری و مولفه های آن شامل: سازگاری عاطفی، سازگاری اجتماعی و سازگاری آموزشی در بین دانش‌آموزانی که مهدکودک راتجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند، می‌باشد.

جدول ۳- میانگین و انحراف استاندارد نمرات متغیرهای هوش هیجانی و سازگاری و مولفه های آنها در بین دانش‌آموزانی که مهدکودک راتجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند.

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
هوش هیجانی	مهد رفته	۷۲	۱۴۸/۴۴	۱۶/۰۹
	مهد نرفته	۷۲	۱۲۲/۳۳	۱۵/۶۱
ارزیابی هیجانات در خود و دیگران	مهد رفته	۷۲	۳۱/۷۹	۴/۳۵
	مهد نرفته	۷۲	۲۵/۸۳	۷/۳۸
تنظیم هیجانات	مهد رفته	۷۲	۳۹/۷۱	۵/۷۶
	مهد نرفته	۷۲	۳۰/۹۳	۱۰/۰۸
بهره‌جویی از هیجانات در حل مسایل	مهد رفته	۷۲	۴۲/۹۸	۶/۷۹
	مهد نرفته	۷۲	۳۵/۴۴	۹/۹۴
ادراک و فهم هیجانات	مهد رفته	۷۲	۳۳/۹۵	۵/۰۸
	مهد نرفته	۷۲	۳۰/۱۲	۵/۹۵
سازگاری	مهد رفته	۷۲	۱۹/۲۸	۶/۷۰
	مهد نرفته	۷۲	۲۳/۶۵	۶/۴۹
سازگاری عاطفی	مهد رفته	۷۲	۷/۲۶	۲/۹۳
	مهد نرفته	۷۲	۸/۹۶	۳/۸۲

توان آماری	مجذور اتا	معناداری	درجه آزادی خطا	درجه آزادی فرضیه	F	مقدار	آزمون	اثر
۱	۰/۴۱	۰/۰۰	۱۴۱	۲	۴۸/۹۲	۰/۴۱	آزمون پیلایی	دو گروه
۱	۰/۴۱	۰/۰۰	۱۴۱	۲	۴۸/۹۲	۰/۵۹	لامبدای ویلکز	
۱	۰/۴۱	۰/۰۰	۱۴۱	۲	۴۸/۹۲	۰/۶۹	اثر هتلینگ	
۱	۰/۴۱	۰/۰۰	۱۴۱	۲	۴۸/۹۲	۰/۶۹	بزرگترین ریشه روی	
۲/۵۶		۵/۴۶	۷۲	مهد رفته		سازگاری اجتماعی		
۳/۱۰		۶/۸۲	۷۲	مهد نرفته				
۲/۸۸		۶/۵۶	۷۲	مهد رفته		سازگاری آموزشی		
۷/۹۲		۷/۸۸	۷۲	مهد نرفته				

همانگونه که در جدول ۳ ملاحظه می شود :

۱- میانگین هوش هیجانی و مولفه های آن (ارزیابی هیجانات در خود و دیگران، تنظیم هیجانات، بهره جویی از هیجانات در حل مسائل و ادراک و فهم هیجانات) در دانش آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند بالاتر از دانش آموزانی است که مهدکودک را تجربه نکرده اند. ۲- همچنین میانگین سازگاری و مولفه های آن (سازگاری عاطفی، سازگاری اجتماعی و سازگاری آموزشی) در دانش آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند، پایین تر از دانش آموزانی است که مهدکودک را تجربه نکرده اند. مجدداً یادآوری می شود که نمره ی پایین تر نشان دهنده ی سازگاری بیشتر است.

تحلیل آماری این فرضیه ی پژوهشی (بین هوش هیجانی و سازگاری دانش آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند، تفاوت وجود دارد)، به کمک تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) صورت گرفت که در آن نمرات متغیرهای هوش هیجانی و سازگاری به عنوان متغیر وابسته و متغیر گروه به عنوان یک متغیر مستقل کیفی - دانش آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند - می باشد.

جدول ۴- نتایج آزمون های چندمتغیری

توان آماری	مجذور اتا	معناداری	درجه آزادی خطا	درجه آزادی فرضیه	F	مقدار	آزمون	اثر
۱	۰/۴۱	۰/۰۰	۱۴۱	۲	۴۸/۹۲	۰/۴۱	آزمون پیلایی	دو گروه
۱	۰/۴۱	۰/۰۰	۱۴۱	۲	۴۸/۹۲	۰/۵۹	لامبدای ویلکز	

۱	۰/۴۱	۰/۰۰	۱۴۱	۲	۴۸/۹۲	۰/۶۹	اثر هتلینگ
۱	۰/۴۱	۰/۰۰	۱۴۱	۲	۴۸/۹۲	۰/۶۹	بزرگترین ریشه روی

چهار آزمون چندمتغیری در برنامه های کامپیوتری آماری به کار می روند که عبارتند از: آزمون پیلایی، لامبدای ویلکز، اثر هتلینگ و بزرگترین ریشه روی. به طور معمول در ادبیات تحقیق لامبدای ویلکز گزارش می شود و در صورت معنادار بودن آزمون M باکس که نشان دهنده ی ناهمگنی ماتریس های واریانس-کوواریانس است، اثر پیلایی گزارش می شود. همه این آزمون ها فرضیه صفر را در مورد نبود تفاوت بین متغیر مستقل (گروهها) در جامعه متغیر وابسته ارزیابی می کنند (میرز و همکاران، ۱۳۹۱).

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که تفاوت بین دو گروه با توجه به ۲ متغیر هوش هیجانی و سازگاری در مجموع معنادار است ($P < 0.05$) یا به عبارتی بین ۲ گروه دانش آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند در متغیرهای هوش هیجانی و سازگاری تفاوت معناداری وجود دارد ($F = 48/92, P < 0.05$) و میزان این تفاوت ۴۱ درصد می باشد؛ یعنی ۴۱ درصد واریانس ها در این ۲ متغیر مربوط به تفاوت بین دو گروه است. مجذور اتا در واقع مجذور ضریب همبستگی متعارف بین ۲ متغیر وابسته و عضویت گروهی می باشد و نشان می دهد که تقریباً ۴۱ درصد واریانس توزیع دو متغیری مربوط به عضویت گروهی است. همچنین توان آماری ۱۰۰ درصد بدست آمد؛ که این بدین معنا است که حجم نمونه برای ارزیابی این آزمون کفایت لازم را داشته است.

حال با توجه به اینکه نتایج تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) نشان داد که تفاوت معناداری بین ۲ گروه دانش آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند در ترکیب خطی متغیرهای هوش هیجانی و سازگاری وجود دارد، در بخش بعد به منظور پاسخگویی به فرضیه ی پژوهش در مورد تفاوت دو گروه در هر متغیر، از تحلیل واریانس یک راهه استفاده گردید (جدول ۶).

جدول ۵- نتایج تحلیل واریانس یک راهه در متن مانوا روی متغیرهای هوش هیجانی و سازگاری در بین دانش آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند

منبع واریانس	متغیر وابسته	مجموع مجذورات نوع III	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری	مجذور اتا	توان آماری
گروه	هوش هیجانی	۲۴۵۴۴/۴	۱	۲۴۵۴۴/۴	۹۷/۶	۰/۰۰	۰/۴۱	۱
	سازگاری	۶۸۹/۰۶	۱	۶۸۹/۰	۱۵/۸	۰/۰۰	۰/۱۰	۰/۹۷
خطا	هوش هیجانی	۳۵۷۱۳/۷	۱۴۲	۲۵۱/۵				
	سازگاری	۶۱۸۶/۷	۱۴۲	۴۳/۵				

۱- نتایج تحلیل واریانس یکراهه در جدول ۶ حاکی از آن است که بین ۲ گروه دانش آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند در متغیر هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد ($F = 97/6, P < 0.05$). به طور ساده تر می توان نتیجه گرفت که اثر گروه در متغیر وابسته هوش هیجانی معنادار شده است ($P < 0.05$)، لذا می توان نتیجه گرفت که گروه در میزان نمره ی متغیر هوش هیجانی تاثیر دارد و این نشان دهنده ی آن است که بین هوش هیجانی دانش آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند تفاوت معناداری وجود دارد. اندازه مجذور اتا نیز ۰/۴۱ است که نشان می دهد تقریباً ۴۱ درصد از تغییرات متغیر هوش هیجانی ناشی از گروه بندی می باشد. توان آماری نیز ۱۰۰ درصد می باشد که نشان دهنده ی دقت بالای تحلیل و همچنین کفایت حجم نمونه برای این نتیجه گیری می باشد.

مقایسه‌ی هوش هیجانی و سازگاری دانش‌آموزانی که تجربه‌ی مهد کودک دارند با آنهایی که ندارند
Comparison of emotional intelligence and adaptability, in students who have kindergarten experienced and

۲- بین دو گروه دانش‌آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند در متغیر سازگاری تفاوت معناداری وجود دارد ($F=15/8$, $P<0.05$). به طور ساده تر می‌توان نتیجه گرفت که اثر گروه در متغیر وابسته سازگاری معنادار شده است ($P<0.05$)، لذا می‌توان نتیجه گرفت که گروه در میزان نمره‌ی متغیر سازگاری تاثیر دارد و این نشان دهنده‌ی آن است که بین سازگاری دانش‌آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند تفاوت معناداری وجود دارد. اندازه‌ی مجذور اتا نیز $0/10$ است که نشان می‌دهد تقریباً ۱۰ درصد از تغییرات متغیر سازگاری ناشی از گروه بندی می‌باشد. توان آماری نیز ۹۷ درصد می‌باشد که نشان دهنده‌ی دقت بالای تحلیل و همچنین کفایت حجم نمونه برای این نتیجه گیری می‌باشد.

جدول ۶- نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی متغیرهای هوش هیجانی و سازگاری در بین دانش‌آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند

متغیر وابسته	مقایسه گروه	تفاوت میانگین	انحراف معیار	معداری	
				فاصله اطمینان ۹۵ درصدی	حد پایین
هوش هیجانی	مهد رفته- مهد نرفته	۲۶/۱۱	۲/۶۴	۰/۰۰	۲۰/۸۸
سازگاری	مهد رفته- مهد نرفته	-۴/۳۸	۱/۱	۰/۰۰	-۶/۵۵
					حد بالا
					۳۱/۳۳
					-۲/۲۰

با در نظر گرفتن نتایج آزمون تحلیل واریانس یکراهه و در ادامه تحلیل آماری، آزمون تعقیبی بونفرونی نیز محاسبه گردید. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که تفاوت بین هوش هیجانی در بین دانش‌آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند از نظر آماری نیز تایید شده است ($P<0.05$) و چون میانگین دانش‌آموزان مهد کودک رفته بالاتر است، پس هوش هیجانی آنها بالاتر است.

همچنین تفاوت بین سازگاری در بین دانش‌آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند از نظر آماری نیز تایید شده است ($P<0.05$). با توجه به اینکه در آزمون سازگاری نمره‌ی پایین تر نشان دهنده‌ی سازگاری بیشتر است پس می‌توان گفت که چون میانگین دانش‌آموزان مهد کودک رفته کمتر است، پس سازگاری آنها بیشتر است.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تفاوت بین دو گروه با توجه به ۲ متغیر هوش هیجانی و سازگاری، در مجموع معنادار است یا به عبارتی بین ۲ گروه دانش‌آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند در متغیرهای هوش هیجانی و سازگاری تفاوت معناداری وجود دارد. یعنی دانش‌آموزانی که تجربه‌ی مهد کودک دارند نسبت به دانش‌آموزانی که چنین تجربه‌ی ندارند، از هوش هیجانی و سازگاری بهتری برخوردار بودند.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه‌ی هوش هیجانی و سازگاری دانش‌آموزانی که مهدکودک را تجربه کرده اند با آنهایی که تجربه نکرده اند، بود. نتایج پژوهش نشان داد بین دو گروه دانش‌آموزان در میزان هوش هیجانی و سازگاری تفاوت وجود دارد. بدین معنی که دانش‌آموزانی که تجربه مهد کودک داشتند نسبت به آنهایی که چنین تجربه‌ی را نداشتند، از هوش هیجانی بالاتر و سازگاری بهتری برخوردار بودند. این یافته با نتایج پژوهش‌های دیگر از جمله شولمن^۱ و همکاران (۲۰۰۳) که نشان دادند: کودکانی که در آموزش‌های پیش‌دستانی شرکت کرده اند، علاقه‌ی بیشتری به مدرسه داشتند، بهتر رفتار می‌کردند، کمتر از مشکلات بهداشتی رنج می‌بردند و پیشرفت‌های

تحصیلی بهتری نسبت به کودکانی که شرکت نکرده بودند داشتند؛ گمل^۱ و همکاران (۲۰۰۲)؛ دیوید (۲۰۰۰) که نشان دادند: کودکانی که در مهد کودهایی با کیفیت بالا، بسر برده‌اند نسبت به کودکانی که در مهد کودک نبوده‌اند از رشد و سازگاری اجتماعی بیشتری برخوردار هستند. علاوه بر این، کودکان با تجارب پیش دبستانی رفتارهای مستقل بیشتری را نشان می‌دادند؛ بارنت^۲ (۱۹۹۵) که نشان داد: آموزش های پیش دبستانی بر رشد و سازگاری اجتماعی، اعتماد به خود و امنیت هیجانی تأثیر مثبت دارد؛ لین و همکاران (۱۹۹۸) که با بررسی چند برنامه ی پیش دبستانی به این نتیجه دست یافتند که چنین برنامه‌هایی در افزایش رشد شناختی، بهبود در تحصیل، کاهش فعالیت‌های ناسازگارانه (مثل فعالیت‌های مجرمانه) و افزایش خودبستگی ها موثر است؛ هلبرن و هاوز (۱۹۹۶) که با پژوهشهای گوناگون نشان دادند که برنامه‌های آموزشی با کیفیت بالا در کودکی اولیه مانند آموزش های پیش دبستانی تحول اجتماعی، شناختی و زبانی کودک را افزایش می‌دهد. کودکان دارای تجربه ی آموزشهای پیش دبستانی با کیفیت، بیشتر احتمال دارد که از لحاظ هیجانی ایمن باشند و اعتماد به خود داشته باشند، در استفاده از زبان ماهر باشند، قادر به تنظیم تمایلات پرخاشگرانه باشند و به طور کلی، در مدرسه بهتر عمل کنند؛ بارنت (۱۹۹۵) با هدف بررسی و فراتحلیل پژوهشهای انجام شده در حوزه ی آموزش پیش از دبستان، ۳۶ مطالعه را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که افرادی که تجربه ی پیش دبستانی داشتند به پیشرفت تحصیلی بهتری دست یافته اند و از سازگاری اجتماعی بیشتری برخوردارند؛ بولان دیاز (۱۹۹۲) اثر آموزش دوران پیش دبستانی را بر تعاملات اجتماعی مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش وی نشان داد که تاثیر آموزش پیش دبستانی بر کودکان طبقه ی پایین اجتماع، بالاتر بود و موجب سازگاری بهتر این کودکان در مدرسه شده است. تجارب دوران پیش دبستانی موجب گردیده بود که این کودکان در مقایسه با کودکان طبقه پایین اجتماعی که این دوره‌ها را نگذرانده بودند از رفتارهای ضد اجتماعی کمتری استفاده کند. همچنین کلمات رکبیک و الفاظ نادرست آنها خیلی کم شده بود، رفتار خشونت آمیز و مخرب در آنها پایین آمده بود، همسومی باشد.

باتوجه به یکسان بودن ویژگی های جمعیت شناختی پژوهش (میزان تحصیلات پدر و مادرانش آموزان شرکت کننده، تعداد فرزندان خانواده ها، سن و تحصیلات دانش آموزان) تفاوت هوش هیجانی و سازگاری دانش آموزانی که تجربه ی مهد کودک دارند با آنهایی که تجربه ی مهد کودک ندارند را می‌تواند چنین بیان کرد:

هیجانان و چگونگی واکنش درمقابل آنها اکتسابی هستند. ما آنها را از تجربیات شخصی خود با والدین، خواهر، برادر، دوستان، معلمان و مربیان می‌آموزیم. ضمناً کتاب ها، فیلم ها، تلویزیون، رهبران سیاسی، قهرمانان ورزشی و سایر مدلها بر ما تأثیر می‌گذارند. هیجانان، تفکر ما را بهبود می‌بخشند چون اگر درخلق خوبی باشیم می‌توانیم ایده های نو و جالبی را ارائه دهیم. هیجانان، اطلاعاتی درخصوص اینکه چگونه ما و دیگران، همدیگر را می‌فهمیم در اختیارمان قرار می‌دهند. مامی توانیم، کنترل چگونه احساس کردن و واکنش نشان دادن را بیاموزیم. بازرگان (۱۳۸۴) معتقد است: احساساتی چون شادی و غم، عشق و تنفر، اعتماد به نفس و ترس، تنهایی و تعلق، ناامیدی و رضایت، عصبانیت و خشنودی، از جمله پاسخ های فرد به رویداد ها، افراد و شرایط هستند. تعامل کودکان با یکدیگر، فرصت مناسبی ایجاد می‌کند تا آنها بتوانند احساساتشان را بطور مناسب بروز دهند. مربیان با تشویق کودکان به بروز احساساتشان، به آنها کمک می‌کنند تا از نیروی طبیعی در جهت زندگی سالم و بهتر بهره گیرند.

عواملی مانند هوش، عزت نفس، تکامل زبان، مکانیزم های دفاعی و بطور کلی عوامل پزشکی، تربیتی، ارثی و ژنتیکی، محیطی و اجتماعی از عوامل سازگاری فرد می‌باشند. عوامل درونی (نگرش ها، رفتارها، ادراک، اهداف، احساسات، ارزشها، نیازها، قدرت، قضاوت، عواطف، اعتقادات)، عوامل محیطی (نیازهای متقابل افراد، فرهنگ، تسهیلات بدنی و فیزیکی، سرویس های حرفه ای و خدماتی، احساسات دیگران، نگرشها و رفتارهای دیگران) و عوامل ارتباطی (ارتباطات، اعتماد، شیوه ی مراقبت و روابط) نیز از متغیر های مؤثر بر سازگاری می‌باشند. مهدکودک، یکی از محیط هایی است که در رشد کودکان مؤثر است. کودکان در مهدکودک از طریق بازی، اجتماعی می‌شوند. آنها در کنار شادی و بازی کمی از والدین دور می‌شوند. دوری کودک از محیط خانه و وارد شدن به محیط جدیدی به نام مهدکودک باعث می‌شود تا وی مستقل بارآید و محیط جدیدی را تجربه نماید. در این محیط جدید با همسالان خود آشنا می‌شود و تعاملات و ارتباطات اجتماعی در وی شکل می‌گیرد. اجتماع همسالان، بستر بسیار مهمی برای رشد می‌باشد. تماس با دوستان، نقش مهمی در درک دیگران و آگاهی از خود و دیگران ایفا می‌کند. این تحولات به نوبه ی خود به ارتقای کیفیت تعامل با همسالان کمک می‌کند (برک^۳ ۲۰۰۱، سید

1. Gamel

2. Barnett

3. Burke

مقایسه ی هوش هیجانی وسازگاری دانش آموزانی که تجربه ی مهد کودک دارند با آنهایی که ندارند
Comparison of emotional intelligence and adaptability, in students who have kindergarten experienced and

محمدی، ۱۳۸۳). کودک با آموزش هائی که در مهدکودک می بیند به همان نسبت توانمندی و خلاقیت ذهنی وی هم رشد می یابد. در این محیط، کودک با یک سری قوانین و مقررات آشنا می شود و یاد می گیرد که خواسته هایش را با محیط اطراف تطبیق دهد. با اصطلاحات، واژه ها و کلمات جدید، رفتارها و ارزش گذاری ها آشناشده و دنیای ذهنی کودکان وسیع تر می شود. زبان، اساس پیشرفت کودک است، چون او را قادر می سازد تا با دیگران ارتباط برقرار کند. وقتی کودک بتواند صحبت کند، گوش کند، بنویسد و بخواند(توسط وسایل و کارتهای بازی مختلف)، این آمادگی را پیدا می کند تا خود و دنیای اطراف خود را بشناسد. در هر فعالیت، کودک با کلمات و اصطلاحات جدیدی آشنا میشود که بطور غیر مستقیم به غنی شدن گنجینه ی لغات وی کمک میکند. آموزش ها و ارتباطاتی که در مهدکودک وجود دارد، باعث توانمندی و رشد فکری و ذهنی کودکان می شود.

بنابراین مهدکودک تأثیر زیادی در اجتماعی شدن، قانون مند شدن و مستقل بار آمدن کودکان دارد. و این عوامل در ارتقای هوش هیجانی و سازگاری کودکان تأثیر گذار هستند. و باعث می شوند هوش هیجانی و سازگاری کودکانی که تجربه ی مهد کودک دارند، از آنهایی که چنین تجربه ای را ندارند، بالاتر باشد.

تشکر و قدردانی:

نگارندگان این مقاله مراتب سپاس و قدردان خود را از مسئولین آموزش و پرورش شهرستان رباط کریم، دانش آموزان مدارس مورد مطالعه و کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی ملارد ابراز می نمایند.

منابع

- عظیمی، حسین و نوری، مژگان (۱۳۹۴)، تأثیرات هوش هیجانی بر رفتار شهروندی سازمانی، اولین کنفرانس بین المللی مدیریت و حسابداری با رویکرد ارزش آفرینی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس.
- رحیم لو، بهرام و اسکندانی، امید حسین (۱۳۹۴)، حس تعلق پذیری کودک به فضا در مهد های کودک، کنفرانس بین المللی انسان، معماری، عمران و شهر، تبریز، مرکز مطالعات راهبردی معماری و شهرسازی.
- عظمی گودرزی، رضوان و صارمی، حمیدرضا (۱۳۹۴)، بررسی تأثیرات عوامل محیطی بر یادگیری کودکان، دومین کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین در علوم، مهندسی و تکنولوژی، ترکیه - استانبول، موسسه پندار همایش پارس.
- مشهدی، ریحانه و سرگزی، صفیه (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر آموزش پیش دبستانی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان ابتدایی ناحیه ۲ شهرستان زاهدان، اولین همایش علمی پژوهشی روانشناسی، علوم تربیتی و آسیب شناسی جامعه، بصورت الکترونیکی، شرکت طلای سبز، انجمن پایش.
- ابراهیمی، ا. (۱۳۹۰)، بررسی تاب آوری و هوش هیجانی با سازگاری (عاطفی، اجتماعی، تحصیلی) در دانش آموزان پسر دبیرستان های شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- سیاروچی ژ (۲۰۰۱)، هوش عاطفی در زندگی روزمره. ترجمه: نوری امام زاده ای، انصیری، ح. اصفهان: نشر نوپ، ۱۳۸۳.
- شریفی، ح. پ (۱۳۸۲). نظریه و کاربرد آزمون های هوش و شخصیت، تهران: انتشارات سخن.
- شریفی درآمدی، پرویز (۱۳۸۰). نظریه روان شناسی تحولی از کودکی تا بزرگسالی، تهران: انتشارات خوشنواز.
- شریفی درآمدی، پرویز (۱۳۸۴). هوش هیجانی: کاربرد هوش در قلم رو هیجانی، تهران: انتشارات سپاهان.
- شریفی درآمدی، پ (۱۳۸۶). آموزش و پرورش عاطفی - اجتماعی و نقش هوش هیجانی، فصلنامه ی تعلیم و تربیت، شماره ۲ تابستان ۸۶، ص ۳۱-۷.
- گلمن، دانیل (۱۳۸۰). هوش هیجانی، پارسا، ن. تهران: انتشارات رشد.
- گنجعلی، ن (۱۳۷۸). بررسی تأثیر گذراندن دوره پیش دبستانی، ویژگی های فردی، خانوادگی و آموزشی دانش آموزان با کنترل متغیر هوش بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان سال اول ابتدائی شهرستان دزفول، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی - تهران مرکز

Bar-on R. Emotional and sociol intelligence: Insights from the Emotional Quotient (EQ-I). In: Bon R, Parker JDA, editors. Hand book of Emotional intelligence. Sanfrancisco: Jossy- Bass; 200 .